

می‌گویند یک شب شما اصرار به اجرای برنامه در یک کلوب داشتید و حتی صاحب کلوب را تهدید کرده بودید و نیز آن مگکی Alan McGee مالک شرکت ضبط Creation Records کسی نه ترووه Oasis را تکبره که همان شب در آن کلوب بود، به نظر می‌رسد این اتفاق ربطی به سرنوشت داشته باشد.

یعنی بخشی از سرنوشت بود، یک اتفاق؟
قطعاً، ما نمی‌دانستیم پس کلاً دست سرنوشت بود. اتفاقاً روز تولد ۲۲ سالگی من بود.
مردم می‌گویند شو و برادرت لیام پیش از این‌که تشکیل گروه بدهید هم مشهور بودید.
بله درست‌ما زمان زیادی را با هم می‌گذراندیم قبل از تشکیل گروه خیلی اهل گردش بودم و مدام این طرف و آن طرف می‌رفتم و لیام هم به کارهای خودش مشغول بود. آن وقت‌ها مشکل نداشتیم اما حالا، در وقت‌های آزادمان هم کارهایی داریم که باید انجام دهیم، پس باز هم با هم هستیم مثل هر رابطه خانوادگی توام با حرمت شکنت، ما اخیراً یک ماه آزاد بودیم و چهار روز در تور بودیم دوروز اول عالی بود، اما بعد دوباره همه چیز مثل اول شد، بحث و دعوا که اغلب چیزهای مزخرف و بچه‌گانه است.

آیا دست به یقه هم می‌شود؟
خبر آره، می‌شود.
سر چه چیزهایی دعوا می‌کنید؟
هر چیز، همه چیز، حتی هوا.
چه کسی برنده می‌شه؟
من بالاخره چند سالگی بزرگترم.

کارهایمان به راحتی با شنونده آمریکایی از تباط برقرار می‌کند، در حالی که گروه‌های دیگر مثل Suede یا Blur این موفقیت را به دست نیاوردند. دلایلش را می‌دانم؟
فکر می‌کنم منسجم و به خصوص اشعار ما کاملاً جهانی است، در حالی که گروه‌های انگلیسی دوست دارند در مورد موضوعات خاص انگلیسی بخواهند، این خوب است که در انگلیس زندگی کنی و بتوانی خودت را به آن ربط دهی و مثلاً تمداد کسی اصطلاح زبانی به

کار بگیری. اما من فقط می‌نویسم، خودم را یک ترانس‌سرای برجسته نمی‌دانم. شامرا یا چیزی مثل آن هم نیستم فقط آن چه را که حس می‌کنم می‌نویسم، آدمی مایه‌تر و هشتم روشنی می‌بیند که حرفش را قبول نمی‌کنم لیخندنی خجولانه می‌زند. [خند] خوب، در واقع نیستیم، ولی مثل یک آدم مهمان می‌نویسم، سگ‌ها و اکتال برای یک بچه‌های اول بزرگ‌ترین معنی را دارد که برای کسی از بلافت. همه جا یک معنی دارد در هر زبانی، گروه‌هایی چون Suede یا Blur در مورد همه چیز به شیوه انگلیسی می‌خوانند. ما خودمان را یک گروه انگلیسی نمی‌دانیم. تنها یک گروه هستیم، فکر می‌کنم آن‌ها خیلی انگلیسی هستند. حتی لهجه Cockney به کار می‌برند، در حالی که ما با هیچ لهجه بخصوصی نمی‌خوانیم، من فکر می‌کنم که ما صدای کلاسیک را کاندول داریم در حالی که مثلاً Suede خیلی شبیه دیوید بویی است و Blur بیشتر مثل Kinks است.

آیا بزرگ شدن در ۲۲ مایلی نیورپول، جایی که بیتلز رشد کرد بر شما تاثیر گذاشت؟

بیتلز برای ما همه چیز است. از اول تا آخر هر کاری که می‌کنیم تحت تاثیر بیتلز است. رویای ما رسیدن به جایی است که صدش را داریم. آن‌ها و The Beatles مثل نه از نظر موسیقی بلکه تنها از نظر شیوه کار به عنوان یک گروه، آن‌ها از طریق کار شروع کردند و به جایگاه بزرگترین گروه جهان رسیدند. با نیورپول از تباط داریم و موسیقی‌های زیادی را آن‌جا می‌شناسیم. چند تا از اولین کارهایمان را در نیورپول ضبط کردیم مثل Supersonic.

پنر و مارتان از هواداران بیتلز بودند؟
بله البته.

چند ساله هستند؟
مادرم ۵۰ ساله است.

متوجه تبدیل به صحنه شکوفایی گروه‌ها شده، آیا چیزی در این صحنه هست؟

در واقع در منجستر کاری نمی‌شود کرد، اگر در منجستر بزرگ شود یا باید هر کارخانه کار کنید یا فوتبال بازی کنید، یا مواد بخفرو بفروشید یا این که موسیقیفیدان شوید. فکر می‌کنم به این دلیل است که ما تیم‌های فوتبال مشحر، کارخانجات بزرگ، قاپچاقیان زیاد مواد مخدر و همین طور گروه‌های خوب در منجستر داریم. واقعاً همین طور است. هیچ کار دیگری نیست که بکنی. بیشتر مردم سعی می‌کنند از آن‌جا بیرون بیایند.

به تیرون آمدی؟

بله، من الان در لندن زندگی می‌کنم. در چلسی.

جایی خواندم که در مورد جریان هنگ‌ساز از کیت ریچارد از اعضای رولینگ استونز نقل‌قولی کردی، او گفته که تمام این هنگ‌ها در کیهان در حال پرخش

اند و تنها کاری که باید بکنی این است آن‌ها را بگیرد و بنویسی. چه اتفاقی می‌افتد اگر دو نفر یک تیم یکسان را بگیرند؟

خبر، از زمان شکایت می‌کنند: (کشایه زرتانه به شکایت گروه New Seekers از Oasis که اما کرده آن‌ها از teach the world to sing کردیم) Shakeraker درمی‌ماند. مسأله این است که کسانی مثل کیت ریچارد هم سن و سال‌ها و دوره‌های مرا تحت تاثیر قرار دادند. اگر مثلاً در سینگار و اکتله آن نکه را از T.Rex برداشتیم بودیم، خیلی از بچه‌ها که به کنسرت‌های ما می‌آیند هیچ وقت آن را نمی‌شنیدند. ولی حالا می‌روند و آلبومی از T.Rex می‌خرند. درست مثل یک چرخه است، از موسیقی می‌شکوه این گروه بود فکر می‌کنم برای همین است که بیتلز هنوز بعد از ۳۰ سال زنده است. به همان بزرگی که بود. چون هر نسلی تک‌هایی از کارهای قبلی را دوباره برمی‌دارد و تکرار می‌کند. حتی مصاحبه‌هایشان به آدم درک و اطلاعات تازه می‌دهد. مثلاً وقتی من اولین بار مصاحبه Sex Pistols را خواندم از Stooges و MCS حرف می‌زدند. من هیچ وقت در مورد این گروه‌ها چیزی نشنیده بودم. MCS گروهی از تدریوت است، و اگر آن مصاحبه را بخوانم بودم هیچ وقت چیزی از آن‌ها نمی‌شنیدم و یا چیزی در مورد Iggy Pop و Stooges نمی‌دانستم. من هیچ وقت نمی‌دانستم که Iggy Pop در گروهی به نام Stooges بود. وقتی من بزرگ می‌شدم این فقط Iggy Pop بود، یک بله تمام گروه‌های موسیقی به نوعی از هم تاثیر می‌پذیرند و به هم وابسته‌اند، اگر این جریان قطع شود برای من روز غمگینی در موسیقی خواهد بود. وقتی مردم برترسد که صداها را از آسمان بگیرند، روز غم‌انگیزی خواهد شد.

جریان New Seekers هنوز سر حریفان هستند؟

تضمین هنوز جریان دارد. من از آن‌ها استفاده نکردم. من فقط روی آنگک Flying بیتلز کلام گذاشتم که یک دفعه New Seekers پیدایش شد و گفت که ما از آن‌ها درمی‌جیبیم و از ما شکایت کردند و حالا آن‌ها با این موضوع بعد از ۲۵ سال سزایان‌ها افتادند. تو گفتی که جیکت راک یک طرز فکره نه یک فرم موسیقی یا آن به دنیا می‌آید و با آن می‌میری، هنوز هم این طرز فکر می‌کنی؟

این گفته من نیست. دوست دارم که این طرز فکر کنم این را گفتم چون FREEM گفته بود که آلبوم Monster آن‌ها یک آلبوم بلک راک است. منسلفم، شما نمی‌توانید ملتوتین بزیاید و روی موسیقی فولک کار کنید و یک قطعه بگویید که سبک ما بلک راک است. شدنی نیست نمی‌توانید از Losing my religion یک

دفعه سر از گروه پانک راک در آید فقط از زمان شروع می‌توانید بدی قضیه این است که خود مایکل استابب این حرف را می‌زند.

آن وقتی را که مردم می‌گفتند شما موفق نمی‌شوید، به یاد دارید؟

خیلی‌ها می‌گفتند بماند آدمهای زیادی در منچستر بودند که دلسردمان کردند می‌گفتم که ما گروه بزرگی خواهیم شد و آن‌ها می‌گفتند: نه، منچستر دیگر مرده خیلی از آدمها در منچستر همین نظر را دارند فقط می‌نشینند و هیچ کاری نمی‌کنند تعداد زیادی موسیقیدان هستند که تلاش می‌چرخند و ولشتان را آسلف می‌کنند بسیاری از آن‌ها خوشنغمها و گیت‌بست‌های عالی هستند که فقط چت‌گفتاری می‌کنند.

به نظر می‌آید به اصل اخلاقی کنار کشیدید و پرشور اعتماد داری و هر کاری می‌کنی تا به هدف برسی.

خب اگر این طور نشانی نمی‌توانی که یک گروه بزرگ داشته باشی استوریها هم نمی‌فرستند یا این که خیلی کم می‌فرستند مردم باید حقایق شما را بشنوند یاد شما را ببینند، باید بتوانند در مورد شما چیز بخوانند، عکس‌های شما را ببینند اصل مسأله همین است وگرنه حاشا که هیچ سال مدام می‌آوردی اگر بماند طرفداران زیاد را نخواستی، از بین می‌روی باید این کار را در پنج سال قبلی بکنی، وگرنه در بقیه عمر حرفه‌ایات یک گروه پیش‌انداده خواهی بود.

شهرت و موفقیت، چه چیز به شما کمک می‌کند برای بقا داشته؟

هیچ چیز رسمی، هم به پول اعتماد منظر این است که مورد توجه واقع شدن خوب است، پیش از این هیچ وقت نمی‌توانستم احساس سترهای پاپ را که به شهرت می‌رسد ترک کنم. دوستش دارم، نه نباید بگویم دوستش دارم اما منظوری این است وقتی در حال قدم زدن در خیابان هستی و کسی جلو می‌آید و می‌گوید: می‌توانم یک امضا از شما داشته باشم؟ احساس خوبی به من دست می‌دهد اگر فرش لذت نمی‌بری ستاره راک بیوس سسی جیتیرو سدره یا سدا وقتی کسی می‌گوید: می‌تواند با شما یک تکس بگیرد، من همیشه جواب می‌دهم: خب بماند، حتماً برای همین است که در یک گروه هستم من به یک گروه نیامدم که توی خانه بنشینم و زیر کلاه قلمب شوم و از شهرت‌م خجالت بکنم، برای این در یک گروه هستم که روی جلد مجله باشم و ۲۴ ساعت در تلویزیون.

اگر شما بهتر را به عنوان مثال انتخاب کردیم، آن‌ها هم سعی می‌کنند رادیو را تقاضا کنند.

بله، داری لندرد از ستاره راک بودن خجالت بکنی، وقتی کسی از شما می‌پرسد: آیا شما در فلان گروه

هستید این دنیای است که بگوید: نه، اشتباهه گرفتید فکر می‌کنم بقیه این مسأله را خیلی سخت می‌گیرند، اما اصلاً مهم نیست، بهترین مثال Kurt Cobain است. نمی‌خواهم او را محکوم کنم، من دوستش داشتم، عاشق گروهش بودم و وقتی خوشکلی کرد، واقعاً غمگین شدم، اما مسأله شهرت را نباید این قدر بزرگ کرد مردم می‌گویند دیگر زندگی متعلق به خودت نیست، اما متأسفم، من می‌گویم هست، وقتی به خانه برگردی و در را می‌بندی زندگی مال خودت است، وقتی هم بیرون می‌روی اگر مردم دورت جمع شوند وقتی به آن‌ها می‌گویی: لطیف کنید مرا آنها بگذارید چون امروز می‌خواهم خرید کنم، همه آن‌ها می‌روند و نهایت می‌گذارند اگر امضا و عکس آن‌ها را بماند، همشان به سرعت می‌روند.

پس می‌گویند که برای شهرت نباید بهایی پرداخت؟ بهای شهرت این است که برای مدتی از کسانی که دوستشان داری، خانواده و دوستان جدا می‌شوی، البته اگر دوستان وقتی باشند بعد از این مدت برایت باقی خواهند ماند و این مدت فقط ۵ یا ۶ سال است، پس می‌بینید که بهای سنگینی هم نیست.

آیا تا به حال Oasis همگانه‌های دیگران را اجرا کرده؟ I am the Walrus را به صورت زنده اجرا کرده‌ایم. Oasis را از کجا گرفته‌اید؟ نام Oasis را از کجا گرفته‌اید؟ من کوه‌ها را شکل گروه به آن ببینم، ایام آن را



از روی پوستری روی دیوار پیدا کرده بود.

آیا پیش‌بینی می‌کردی که به این‌جا برسی؟ بله، وقتی که منوجه شدم به جز کبوتر زدن هیچ کار دیگری نمی‌توانم بکنم، از سنین بسیار پایین می‌دانستم که این اتفاق می‌افتد، مهم نیست که یک رویا داشته باشی و به آن نرسی، بدترین چیز این است که رویایی داشته باشی و تلاشی برای رسیدن به آن نکنی، بدترین چیز است، وقتی تلاش می‌کنی می‌دانی که سعی خودت را کرده‌ی، ولی نشده که هیچ مسأله‌ی نیست، آدمهای زیادی را می‌شناسم که می‌گویند: من آهنگ‌هایی به خوبی آهنگ‌های تو می‌نویسم، از آن‌ها می‌پرسم آیا گروهی دارید؟ می‌گویند: نه، آیا آن‌ها را ضبط کرده‌ی؟ آهوه، نه، نه، آن‌ها را فقط توی اتاق خوابه من نامه برای من این‌ها اصلاً وجود ندارند، من می‌توانم بگویم که بزرگترین نقاش تمام دوران هستم و کسی از من پرسد: می‌توانم تیکرهایت را ببینم؟ و من بگویم نه تا حالا نقاشی نگردام ولی می‌دانم بهترینم این هیچ ارزشی ندارد.

آیا هیچ آهنگی از Oasis هست که مطلقاً خودت باشد؟

بله، Slide Away و Liro Forever این‌ها شدیداً به من نزدیک‌اند.

پس نوعی زندگی نامه شخصی توست؟ به طور قطع نمی‌توان گفت.

در یک مصاحبه گفتی که اشعارت بی‌معناست.



منظورت چیست؟

خبه، آن‌ها برای من معانی زیادی دارند چون خودم آن‌ها را نوشتم. عدمی هستند که تعدادی ترانه می‌نویسند و بعد می‌نشینند و سعی دارند تقلید کنند که یک فرم هنری بزرگ خلق کرده‌اند. مثل حرف زدن درباره خوششان آمدن. من دوست ندارم منحصرأد مورد خودم حرف بزنم. هیچ وقت راه نمی‌انتم که بگویم من چه آدم فوق‌العاده‌ای هستم یا این که چه اشعار خوبی می‌گویم. تنها چیزی که برای من مفهوم دارد هیف کشیدن بچها زیر باران برای خرابین ترانه جدید است. برای من تنها همین اشتیاق معنا دارد. مهم نیست که من در مورد آهنگ‌ها چه فکری می‌کنم. فکر شما که آهنگ‌ها برای من خرید مهم است چون من که نمی‌خواهم آن‌ها را بخرم.

آیا جمله بی هست که مدام در ذهنت باشد یا به قول معروف ملکه ذهنت باشد؟

بله جمله Make it happen (تحقق ببخشاش) و جمله کیت ریچارد، به یاد باش، آگاه باش و همیشه همان طور که جلوتی را نگاه می‌کنی، پشت سرت را هم نگاه کن. چیزی هست که هنوز نیاز به یاد گرفتنش داشته باشی؟

باید یاد بگیرم چطور گیتار بزنم. چطور یک میز سلوغ را مرتب کنم. باید یاد بگیرم بیشتر نغمه بگویم. من به همه چلوب مثبت می‌دهم. نمی‌توانم نغمه بگویم. آلبومی که خیلی دوست داری؟ تمام آلبوم‌های بیتلز. آهنگ مورد علاقه‌ات؟

اگر بخوام از آن‌ها انتخاب کنم: Ticket to Ride و Paperback Writer. اگر بخوام آلبومی را انتخاب کنم آن دو نایی را برمی‌دارم که جلد قرمز و آبی دارند. گسزنده‌های 1962-1967 و 1967-1970. تمام ترانه‌های تک‌سی‌های Singles را دارند. برای همین بهترین‌ها هستند.

برایم جالب است که بنامم چرا Heiter Skelter بیتلز را شروع جنبش پانک می‌دانی؟

چون درست سال بعد از آن MC5 و Stooges بیرون آمدند. در سال ۱۹۷۹ و Heiter Skelter اواخر ۱۹۶۷ ضبط شد. اگر به Heiter و Skelter و MC5 گوش بدهی، درست یک صدا می‌دهند. ترانه و شیوه نوازندگی آن تولد پانک راکی است که ما می‌شناسیم.

آلبوم دیگر به جز بیتلز؟

اولین آلبوم Stooges، Kick out the Jams و Ziggy Stardust و بسیاری از آلبوم‌های Jam و Smith و آلبوم ایل Stone Roses فکر می‌کنم آن‌ها آلبوم‌های بسیار مهمی هستند. لاقول برای من و موسیقی بریتانیا.

از شما چندترین چیزها پند کداند؟

بی شک به موسیقی. اگر کسی دیگری در گروه بود که شعر می‌نوشت من این کار را نمی‌کردم. برای من نوشتن ملودی و موسیقی ساده است و نوشتن شعر سخت و واقعا سخته که تک‌های نوشته را به هم بچسبانی به طوری که خیلی سبک نشود و حس خوبی هم داشته باشد.

آیا شعر همیشه تو را این قدر به زحمت می‌انگازد؟
نه گاهی اوقات در طی ۲۰ دقیقه به ذهنم می‌آید. مثلا Rock'n' Roll Star ساعت‌های طول کشید تا نوشته شد. ساعت‌ها و ساعت‌ها اما Live Forever فقط ۲۰ دقیقه طول کشید و همین طور Slide away نوشتن آهنگ‌هایی که در مورد احساسات واقعی باشد برایم ساده‌تر است. چون هر چه را حس کنی می‌نویسی، ولی وقتی می‌خواهی در مورد ستاره‌های راک‌اند رول و کسانی که می‌خواهند ستاره شوند بنویسی باید ساعت‌ها وقت صرف کنی.

چیزهایی را که تا به حال روی صحنه به سویات پرتاب شده نام ببر

یک مشتر در نیوسکول، یک بطری در بریستول، لیوان‌های پلاستیکی مختلف آب، آب‌جو. آیا کسانی هستند که نمی‌خواستی ببینی‌شان ولی از دیدنشون خوشحال شدی؟

Paul Weller من او را برای خودم بد کرده بودم. وقتی که کسی را بهت خودت می‌کنی مثل خدا می‌شود و از ملاقاتش می‌ترسی. چون می‌ترسی از ترس قلب نهی کنی. ولی او حالا در بهترین دوستان من است.

بزرگترین ترسی؟
ماتل.

کاری که می‌خواهی بکنی اما تا حالا نکرده‌ی؟
یک تک ترانه Single که در جدول اول شود. آهنگی برای تیم منجستر بخونم. یا با اجرا بپردازم. جرج هرسون و ویل مکنکارتنی را ببینم. میگ جگر را ببینم و راولینگ استونز کنسرت بدهم. Crazy horse و Paul Weller هم ترانه‌هایی اجرا کرده‌ام که یکی یکی دارم آن‌ها را به انجام می‌رسانم.

سؤال‌هایی که نمی‌توانی پاسخ دهی؟
معنی زندگی چیست؟

آیا اتفاقی را در تاریخ صواغ داری که دلت خواسته شاعری باشی؟

آخرین اجرای بیتلز. یا اولین اجرای‌شان. تمام کنسرت‌های بیتلز یا هر کنسرت Sex Pistols دوست داشتم که رولینگ استونز را در سال ۶۹ می‌دیدم. دوست داشتم تمام تردهای تیم منجستر را ببینم. چیزی می‌خواهی به مردم بگویم؟
آلبوم‌های مرا بخردن و مرا می‌لایون کنند.

مگر هنوز می‌لایون نشده‌ی؟
نه، هنوز نه.

برای من نوشتن ملودی و موسیقی

ساده است

و نوشتن شعر سخت

واقعا سخته که

تک‌های نوشته را

به هم بچسبانی

به طوری که خیلی سبک نشود

و حس خوبی هم

داشته باشی

گیتار‌های تک‌تک‌شان

چند تا هستند؟

۱۸ تا خیلی کمه.

بهترین نصیحتی که تا به حال از کسی شنیده‌ی؟

من پیش اولین و تنها معلم گیتارم می‌رفتم. چپ دست هستم ولی گیتار راست دست می‌زنم. معلم گیتارم یک گیتار چپ دست به من داد و گفت چون تو چپ دست هستی باید با دست چپ بزنی. من گفتم: یعنی لولم یا دست راست بزنم و او گفت که نه، نمی‌توانی. ما مردم مرا از آن کلاس بیرون آورد و یک گیتار راست دست برایم خرید. گفت: هر دو هر طوری که دلت می‌خواهد گیتار بزن. این بهترین نصیحتی است که کسی به من کرده. شخص مورد علاقه‌ات در بیتلز که بود؟

جان لنون. هیچ کدام از آن‌ها را جدا نمی‌کنم. چون وقتی جدا از هم کار کردند واقعا مزخرف شدند ولی جان لنون کمتر خراب شد. جرج هرسون هم برای مدتی بد نبود. آن‌ها بیتلز بودند و وقتی که از هم جدا شدند دیگر کارشان تمام شد. آن جادو از بین رفت.

چه چیز اول می‌آید شعر یا موسیقی؟
موسیقی.

آیا به هیچ کدام احساس نزدیکی بیشتری می‌کنی؟